

سوت و سکوت زنجیره ها

مجموعه شعر
ابراهیم سلیمانزاده اذربایجانی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه

عنوان

: سلیمانزاده ادرییلی، ابراهیم، ۱۳۱۷
: سوت و سکوت زنجیره ها/ مجموعه شعر
ابراهیم سلیمانزاده ادرییلی .

مشخصات نشر : کرج: نارین رسانه، ۱۳۹۵ .
مشخصات ظاهری : ۸۲ صفحه : ۱۴/۵×۲۱ س م .
سایک : ۷-۷۶-۷۹۸۰-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع : Persian poet--20 th century

شماره پرهیز : ۱۱۷۷۶ :
شماره ثبت : ۱۴۳۳۳۴۶



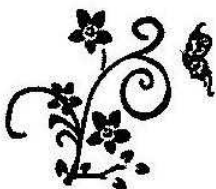
www.narein.com

رده بندی کنگره : ۱۳۵۰ ۹۴ س ۸۸۴ / ۸۰۹۸ PIR
رده بندی دیویی : ۸۶۲ / ۸
شماره کتابشناسی : ۴۱ / ۱۳۳۶

عنوان کتاب : سوت و سکوت زنجیره ها
نوبت چاپ : اول
سال انتشار : ۱۳۹۵
تیراژ : ۱۰۰۰
قیمت : ۶۰۰۰۰ ریال
حروفچینی : نارین رسانه
طراح جلد : نارین رسانه
www.narein.com

توزیع و پخش : انتشارات نارین رسانه

حق چاپ برای انتشارات نارین رسانه محفوظ می باشد



پیش گفتار

آنچه را که محیط زندگی بر جسم و جان تأثیر می گذارد. اگر نقاش باشی در تابلوهای نقاشی ات، اگر اهل موسیقی باشی در آهنگها و نواهایت، اگر نویسنده باشی در نوشته هایت و اگر جسمه ساز باشی در آفریده هایت و بالاخره اگر شاعر باشی در شعرها و سروده هایت نمود خواهد داشت.

زمانیکه بر رویش دانه ای و یا به سنگهای غلطیده از قله کوه و یا شکوفه یک ماهی کوچک یا یک ماهی بزرگ فکر میکنی از یک سطح سطحی به یک نگاه عمقی و به جهانی می اندیشی که به این دنیا دارد و نه آغازی و به بی نهایتی می رسی و غرق بی نهایت می شوی و فراموش می کنی آنچه را که «من» هستی و ناچار میشوی در این جهان بی کران بی پایان.

شعر برای گریز است از «من» و «من» به آرامش درون و تخلیه آنچه را که حقیر است و ناچیز. شعر پر کردن خلاء است از تهیت بیکران.

حال این شعر به هر زبانی، به هر بیانی و هر مکانی سروده شود، و سراینده اش پیر باشد و برنا، با مراد باشد و بی سواد، دانشگاهی باشد و مکتبی، خوش بیان باشد و الکن فرقی نمی کند، همان شعر است و شعر پدیده و مولودی ست که شاعر در درجه اول برای خود تدارک دیده و فراهم



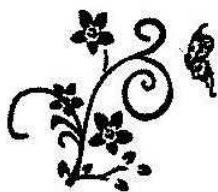
کرده و در درجه دوم برای مخاطبان و هم اندیشانی که با شاعر هم اندیشی دارند.

شعر برای من یک نیاز است که اگر تولد آن در دو سه ماه و یا دو سه روز اتفاق نیفتد، گم کرده ای دارم، آرامشم را از دست میدهم، ساعت ها و روزها دنبال واژه ای، موضوعی می گردم که کشف اش کنم، برایش فکر کنم و به بی نهایتی برسم که حالم را خوب کند.

نشستن در ساحل و ساعت ها تماشای دریا و رقص موجها مرا چنان در حیرت غرق می کند که می خواهم فریاد بزنم آی مردم یکی دارد اینجا غرق میشود.

وقتی به جنگل نگاه می کنم، انبوهی از درختان نمی گذارند جنگل را ببینم و فریاد می زنم جنگل کجاست که در او گم شوم.

و وقتی که آب و خاک و هوا را می بینم، سوگواری می کنم و مرثیه ای را که سالهاست می خوانم و می خوانم.



فهرست

۸	ورود
۲۵	عسل توشه
۳۱	به چه می اندیشی ؟
۳۵	چه میشد
۴۱	برای دخترم
۵۴	بابه
۶۴	رفتم
۷۳	همیشه
۷۵	گل حسرت گل کرد
۸۲	سایر سرودها